

فرهنگ مردم الجزایر^۱

چکیده:

این مقاله که برگرفته از دایره المعارف فرهنگ کشورهاست. با بررسی عناوین و موضوعات متداول به فرهنگ مصر پرداخته و مسائلی مانند، روابط قومی و نژادی، ازدواج، خانواده، آداب معاشرت، اعتقادات دینی، مراسم و جشن‌ها، هنر، علوم اسلامی و ... را بررسی کرده است.

کلید واژگان: مصر، فرهنگ، روابط قومی، هویت ملی

نام فرهنگی: الجزایری

نام‌های دیگر: این کشور در زبان عربی با نام الجزائر شناخته شده، که شکل کوتاه

شده جمهوریة الجزائریة الڤیقراتیة الشعبیة^۱ می‌باشد.

آشنایی مقدماتی

هویت: نام الجزایر از الجزیره، یکی از شهرهای قدیمی و همیشه مستعمره‌نشین مشتق

شده که پایتخت فعلی این کشور محسوب می‌شود، شهری بندری که به لحاظ سوق الجیشی به اروپا و خاورمیانه راه دارد. عمده جمعیت این کشور در قسمت شمالی قرار دارد. هر چند اکثر مردم عرب (ترکیبی از عرب و بربر) بوده و با یک فرهنگ مشترک الجزایری شناخته می‌شوند، با این حال، قبائل بربر به ویژه ساکنین اقصی نقاط کوهستانی و بیابانی جنوب این کشور، بیشتر فرهنگ بومی خود را حفظ کرده‌اند.

موقعیت و جغرافیا: الجزایر یک کشور آفریقایی است. این کشور از شرق با تونس

و لیبی، از جنوب با نیجر، مالی و موریتانی، از غرب با مراکش و از شمال با دریای مدیترانه مرز مشترک دارد. مساحت کلی این کشور ۹۱۹۵۹۵ مایل مربع (۲۳۸۱۲۵۱ کیلومتر مربع) بوده و دومین کشور پرجمعیت آفریقا (پس از سودان) و یازدهمین کشور پرجمعیت در دنیا به شمار می‌رود. شش استان در بیابان صحرا در جنوب الجزایر واقع شده، که نزدیک به نه دهم از مساحت این کشور را به خود اختصاص داده‌اند؛ با این حال، ۹۰ درصد از جمعیت و بیش از همه شهرنشینان، در منطقه ساحلی و حاصل خیزی به نام تل^۲ (تپه) ساکن هستند. آب و هوای آن به آب و هوای بیابانی شباهت داشته ولی در مناطق ساحلی در فصل زمستان باران می‌بارد. تنها ۳ درصد از خاک این کشور قابل زراعت بوده

^۱. Al-Jumhuriyah Al-Jaza'iriyah ad-dimuqratiyah ash-sha'biyah

^۲. Tell

که آن هم در طول سواحل مدیترانه قرار گرفته است. فلات مرتفع^۱ یکی از مناطق ساحلی در این کشور می‌باشد که ارتفاع آن ۱۳۰۰ تا ۴۳۰۰ پا (۱۳۱ تا ۳۹۶ متر) تخمین زده می‌شود. این فلات یک منطقه سنگ‌لاخی و خشک و دارای پوشش‌های گیاهی پراکنده جهت چرای احشام، گوسفندان و بزها به شمار می‌رود. در آن سوی این فلات، سلسله جبال صحرا^۲ قرار داشته، که خط مرزی بیابان صحرا در الجزایر را تشکیل می‌دهد. با وجود تلاش‌های دولت برای کاشت درختان کاج، این بیابان هم چنان رو به شمال در حال گسترش است. علاوه بر شن‌های روان و گونه‌های زیستی مختلف مانند مارها، سوسمارها و روباه‌ها، بخش وسیعی از این بیابان را آبادی‌هایی تشکیل می‌دهند که در آن درختان نخل و مرکبات رشد می‌کنند. هم‌چنین، سنگ ماسه‌ها، شن‌های سرخ و حتی کوهی تحت عنوان تهت^۳، بلندترین نقطه در الجزایر، در این بیابان به چشم می‌خورد که گاهی در قتل آن برف می‌بارد.

جمعیت شناسی: جمعیت این کشور در سال ۲۰۰۰ تا ۳۱/۱۹۳/۹۱۷ نفر تخمین زده شد. ویژگی‌های قومی و نژادی در این کشور نسبتاً شبیه به هم بوده، به طوری که ۸۰ درصد از مردم را اعراب و ۲۰ درصد را نیز بربرها تشکیل می‌دهند؛ کمتر از ۱ درصد از جمعیت هم به اروپائیان تعلق دارد. بربرها به چهار گروه مختلف تقسیم می‌شوند: **کابیلدها**^۴، در کوهستان‌های کابیلیا^۵ در الجزیره زندگی کرده و بزرگ‌ترین گروه به حساب می‌آیند؛ **چائوها**^۶ ساکن مناطق کوهستانی اورس^۷ می‌باشند؛ **موزبی‌ها**^۸ در شرق بیابان صحرا و **طارق‌ها**^۹ که در دل این بیابان سکونت دارند.

^۱. High Plateau

^۲. Saharan Atlas Mountains

^۳. Tahat

^۴. Kabyles

^۵. Kabilya

^۶. Chaouias

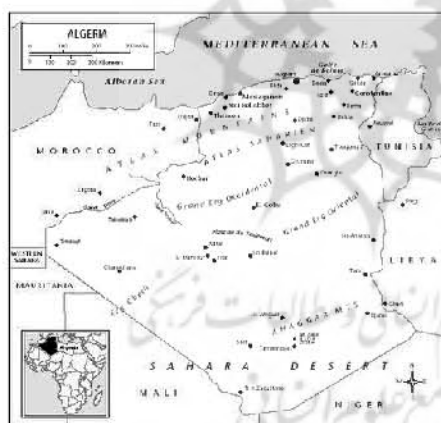
^۷. Aurès

^۸. M'zabites

^۹. Tuaregs

وابستگی زبانی: زبان اصلی مردم، زبان بربر بوده که در سراسر این کشور با گویش‌های متعدد صحبت می‌شود. زبان عربی نیز از آغاز همراه با فرهنگ عرب و دین اسلام با تاریخ این کشور عجین شده‌اند. فرانسوی‌ها پس از اشغال الجزایر تلاش کردند تا از فرهنگ بومی این کشور خلاص شوند؛ یکی از روش‌هایی که آنان پیش گرفتند، **تحمیل زبان خود بر مردم بود.** پس از استقلال، زبان عربی به عنوان زبان رسمی این کشور اعلام گردید. عربی و بربر زبان‌هایی هستند که بیش از سایرین در زندگی روزمره استفاده می‌شوند. هر چند زبان فرانسه در این کشور به تدریج روبه فراموشی است، اما در فعالیت‌های تجاری و برخی زمینه‌های علمی و فنی دارای اهمیت بوده و به عنوان زبان دوم در مدارس تدریس می‌شود.

نمادها: پرچم این کشور به رنگ سبز و سفید بوده و در آن شکل یک ستاره سرخ و هلال ماه دیده می‌شود. ستاره، هلال و رنگ سبز از نمادهای دین اسلام به شمار می‌روند.^۱



الجزایر

تاریخ و روابط قومی و نژادی

پیدایش ملت: بربرها ساکنین اصلی الجزایر به شمار می‌روند. فینیقی‌ها نخستین کسانی بودند که این کشور را مورد تاخت و تاز خود قرار دادند، به گونه‌ای که امپراطوری

^۱ ستاره و هلال، نمادهای دین اسلام نمی‌باشد.

آنها سرزمینی را که ما اکنون به نام لبنان می‌شناسیم، تحت سلطه خود درآورد. آنها در سال ۱۲۰۰ پیش از میلاد، توسعه بنادر را در سواحل مدیترانه آغاز کردند؛ شهرهای قسطنطنیه^۱ و عنابه^۲ را در قسمت شرقی الجزایر کنونی پدید آورده، اما به جز آموزش نحوه زراعت به بربرها، در بیشتر موارد از آنها فاصله می‌گرفتند. سپس رومی‌ها حملات خود را به شمال آفریقا آغاز کرده و حکومت سلطنتی جدیدی را به نام نومیدیا^۳ تشکیل دادند؛ مدت حکومت رومی‌ها در این کشور ششصد سال بود.

اعراب، شمال آفریقا را در قرن هفتم میلادی (در طول حیات حضرت محمد (ص)، پیامبر اسلام که در سال ۶۳۲ میلادی درگذشت) و بار دیگر در قرن یازدهم در نوردیدند. بربرها مقاومت را آغاز کردند، به ویژه پس از صدور این فرمان که هم رهبران دینی و هم رهبران سیاسی تنها باید عرب باشد.^۴ پیروزی دوم مسلمانان باعث دگرگونی عظیمی در تمدن بربرها شد، به گونه‌ای که شمار زیادی از مردم مجبور شدند.^۵ دین خود را تغییر دهند یا به تپه‌های اطراف فرار کنند. با این حال، در زمانی که درگیری‌های داخلی در قرن پانزدهم موجب پیدایش قلعه‌های نظامی مسلمانان در شمال آفریقا می‌شد، اروپائیان از این فرصت استفاده نموده و در حوالی سال ۱۵۱۰، الجزیره، وهران^۶ و دیگر شهرهای بندری الجزایر توسط اسپانیا تصرف شد.

فرانسه کنترل این کشور را در قرن نوزدهم به دست گرفت. به تلافی بدهی‌های الجزایر و اهانت مردم این کشور به ملت‌های اروپایی^۷، فرانسویان چندین بندر را محاصره

^۱. Constantine

^۲. Annaba

^۳. Numidia

^۴. اسلام هیچ گاه برتری خاصی برای گروهی چه عرب و یا غیر عرب، معین نموده است بلکه ملاک در شرع مقدس اسلام در حکومت و رهبری جامعه، با تقواتر و عالم تر بودن می‌باشد.

^۵. در تاریخ فتوحات مسلمانان بر ممالک دیگر، هیچ گاه تحمیل اجباری برای پذیرش دین اسلام نبوده، بلکه نوای روح بخش و عاقلانه اسلام، مردم نواحی تصرف شده را به اسلام سوق داد.

^۶. Oran

^۷. تصرف الجزایر توسط فرانسه به خاطر خوی استثمارطلبانه و مضعف طلبانه دولت فرانسه بوده و موارد یاد شده، بهانه‌ای بیش نبوده است.

کردند، ولی وقتی این عمل با ناکامی رو به رو شد، در تاریخ ۵ جولای ۱۸۳۰، به الجزیره حمله‌ور شدند. چهار سال بعد، آنها الجزایر را مستعمره خود اعلام کردند و بدین ترتیب حکومت ۱۳۲ ساله خود را آغاز نمودند. در سال ۱۸۴۰، عبدالقادر^۱، یکی از مبارزین آزادی خواه الجزایر، اعراب را علیه استعمارگران به شورش واداشت، مبارزه‌ای که در ۱۸۴۷ با شکست روبه رو گردید. تقریباً در همین زمان، فرانسویان در گروه‌های متعدد شروع به مهاجرت به این کشور کرده تا دولت فرانسه بتواند فرهنگ فرانسوی را جایگزین فرهنگ الجزایر نماید. در حوالی سال ۱۸۸۱، ۳۰۰/۰۰۰ اروپایی (که نیمی از آنها را فرانسویان تشکیل می‌دادند) در کنار ۲.۵ میلیون عرب سکونت می‌کردند.

در سال ۱۸۷۱، سی و یک سال پس از شورش عبدالقادر، مسلمانان بزرگ‌ترین شورش را به راه انداختند. دولت فرانسه نیز با شدت بخشیدن به کنترل و تحدید حقوق مردم الجزایر، واکنش نشان داد.

در طول قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، فرانسویان نفوذ خود را افزایش و زمین‌های بیشتری را به تصرف خود در آوردند و در حوالی سال ۱۹۱۴، سلطه خود را بر زمین‌های وسیعی توسعه دادند که پیش از آن غیر مسکونی یا در تملک قبیله‌های بربر بود. در طول جنگ جهانی اول و سپس جنگ جهانی دوم، مردم الجزایر مہیای جنگ با فرانسویان شدند. پس از جنگ جهانی دوم، رهبران الجزایر خواهان برابری حقوقی مسلمانان برای این منظور شدند. **شارل دو گل**^۲ - رهبر مقاومت فرانسه علیه آلمان در طول جنگ و رهبر دولت موقت این کشور پس از جنگ - با اعطای ملیت فرانسوی به برخی مسلمانان برگزیده موافقت کرد که نتیجه آن بالاگرفتن تنش‌ها میان مردم الجزایر و استعمارگران شد. حس تنفر از فرانسه در برهه‌ای از زمان شکل گرفت. اولین گروه ضد استعماری در سال ۱۹۲۶ و دیگری، حزب خلق الجزایر^۳، در سال ۱۹۳۷ تشکیل شدند؛ اما سرانجام در سال ۱۹۴۵، جنبش آزادی خواه نیروی واقعی به خود گرفت. در سال ۱۹۴۷، دو گل با پایان دادن سلطه فرانسه در این

^۱ *Abd al-Qadir*

^۲ Charles de Gaulle

^۳ Algerian People's Party

مستعمره مخالفت کرد. جنگ الجزایر برای استقلال در ۱۹۵۴ آغاز شد. ارتش ملی آزادی خواه (ALN)^۱ - بازوی نظامی جبهه ملی آزادی بخش (FLN)^۲ - حملات چریکی را علیه قوای نظامی فرانسه و پست‌های ارتباطی آنان به راه انداخته و از تمامی مسلمانان درخواست نمود تا در این مبارزه به ارتش آزادی خواه ملحق شوند.

در چهار سال نخست، فرانسه نزدیک به نیم میلیون نفر دسته‌های نظامی را به الجزایر گسیل داشت. تاکتیک‌های جنگی آنها در بمباران روستاها و شکنجه زندانیان^۳، باعث جلب توجه جامعه بین‌الملل شده و از سوی سازمان ملل متحد و جان اف. کندی، رئیس جمهور وقت ایالات متحده نیز محکوم گردید. در سال ۱۹۵۹، دو گل، که در آن زمان رئیس جمهور فرانسه شده بود، به مستعمره خود وعده استقلال داد، اما سال بعد از آن برای حفظ نظم، نیروهای نظامی خود را به این کشور گسیل داشت. در سال ۱۹۶۱، رهبران جبهه ملی آزادی بخش با دولت فرانسه ملاقات کردند و سرانجام یک سال بعد، الجزایر به استقلال رسید و احمد بن بلا^۴ به نخست‌وزیری این کشور انتخاب شد. او ریاست دولت و جبهه ملی آزادی بخش، تنها حزب سیاسی کشور را بر عهده داشت. قدرت‌طلبی او مردم را به خشم در آورد تا این که در سال ۱۹۶۵، یک کودتای خون‌بار باعث عزل او و جانشینی هواری بومدین^۵، وزیر اسبق دفاع گردید.

بومدین به ریاست خود ادامه داد و سیاست‌های سوسیالیستی بن بلا را تغییر داد، تلاش‌های خود را در کاهش بیکاری و بی‌سوادی متمرکز ساخت، تمرکز قدرت را از دولت برداشت و کنترل زمین‌های بازپس گرفته از استعمارگران فرانسوی را به دست گرفت. پس از مرگ او در سال ۱۹۷۸، سرهنگ شادلی بن جدید^۶ جانشین او شد. در دهه ۱۹۸۰، بنیادگرایی اسلامی بیش از پیش به یک جنبش قدرتمند بدل می‌شد و حتی چندین بار

^۱. National Liberation Army

^۲. National Liberation Front

^۳. افشا شدن تکنجه بی رحمانه مبارزان الجزایری و به خصوص "جمیله یو پاشا"، تاثیر زیادی در پیروزی نهایی مردم الجزایر ایفا نموده است.

^۴. Ahmed Ben Bella

^۵. Houari Boumedienne

^۶. Chadli Bendjedid

دست به شورش زد. بر اساس یک قانون اساسی جدید که در سال ۱۹۸۹ تصویب شد، قدرت جبهه ملی آزادی بخش کاهش یافت و برای نخستین بار احزاب سیاسی دیگری روی کار آمدند. نخستین مرحله از انتخابات سراسری در دسامبر ۱۹۹۱ برگزار شد، اما پس از پیروزی جبهه نجات اسلامی (FIS)^۱ و استعفای تحمیلی بن جدید، فرآیند دموکراسی متوقف شد.^۲ با این حال، جبهه نجات اسلامی هرگز موفق به کنترل دولت نگردید و بن جدید به واسطه یک عملیات نظامی از سوی نیروهای مخالف جبهه نجات اسلامی از سیمت خود عزل شد. آنها یک کابینه موقت تشکیل داده و نام آن را دیوان عالی دولت (AICS)^۳ نام نهادند. برنامه انتخابات بار دیگر در سال ۱۹۹۲ طرح، اما نتیجه آن حمایت از جبهه نجات اسلامی شد. به همین دلیل انتخابات لغو گردید. این امر به اقدامات تلافی‌جویانه و حملات متقابلی منجر شد که در طی آن هر دو طرف به تخریب روستاها اقدام کرده و ده‌ها هزار تن کشته شدند. در دسامبر ۱۹۹۹، مردم الجزایر در رفراندوم پیشنهادی عبدالعزیز بوتفلیقه^۴، رئیس‌جمهور وقت، شرکت کردند تا به درگیری هفت ساله پایان دهند؛ با این وجود، این مشارکت پر حاشیه و حکم‌های قانونی صادره هنوز نتوانسته‌اند به این خشونت‌ها خاتمه دهند.

هویت ملی: هویت ملی الجزایر بر ترکیبی از دو فرهنگ بربر و عرب استوار می‌باشد. تاثیر عمیق اسلام در همه جنبه‌های زندگی مردم الجزایر، هویتی را به وجود آورده است که توانسته فراتر از مرزهای ملی، دیگر ملل عرب را نیز به خود جلب کند. مقاومت در برابر استعمارگران فرانسوی نیز نیروی وحدت‌آفرینی بود که به هویت مردم الجزایر معنا بخشید.

روابط قومی و نژادی: سوءظن موجود میان اعراب و بربرها به قرن‌ها پیش، به هنگام تصرف این کشور از سوی اعراب مهاجر باز می‌گردد. اگرچه بیشتر بربرها اسلام را به

^۱ Islamic Salvation Front

^۲ - با پیروزی جبهه نجات اسلامی در انتخابات سراسری سال ۱۹۹۱ و با دخالت کشورهای غربی، نتیجه این انتخابات ابطال شد و موجب جنگ و ستیز یک دهه ای میان طرف داران جبهه نجات اسلامی و دولت نامشروع وقت شد و موجب کشته و زخمی شدن هزاران تن شد و یکی از خونین ترین جنگ‌های داخلی را رقم زد.

^۳ Higher Council of States

^۴ Abdelaziz Boutellika

عنوان دین خود برگزیده‌اند، اما تمایزات فرهنگی خود را هم چنان حفظ کرده و حتی در زمان مهاجرت اجباری به شهرها برای جست‌وجوی کار، ترجیح می‌دهند تا در گروه‌های قبیله‌ای در کنار هم سکونت کرده ولی خود را با جامعه عرب در نیامیزند. کابیل‌ها بیشترین مقاومت را در برابر تعدّی‌های دولت از خود نشان داده‌اند. چائوها از دیرباز منزوی‌ترین گروه‌های بربر به شمار می‌روند؛ تنها بیگانگانی که به روستاهای آنها پا گذاشته‌اند را بازرگانان رهگذر کابیلی تشکیل می‌دهند؛ اما این انزواطلبی در طول جنگ برای استقلال، به ویژه زمانی که فرانسه بسیاری از چائوها را به اردوگاه‌های کار اجباری فرستاد، شکسته شد.

شهرسازی، معماری و استفاده از فضای شهری

جمعیت الجزایر به طور برابر به گروه‌های روستایی و شهری تقسیم شده است. مرکز شهرهای قدیمی، قصبه^۱ نامیده می‌شود (قلعه در زبان عربی)؛ بازاری با مسیرهای پیچ در پیچ و هلال‌های درهم که در آن انواع صنایع دستی، از فرش گرفته تا سبد و کوزه‌های دست‌ساز به فروش می‌رسد. به غیر از این آثار معماری که به نسبت بی تغییر باقی مانده و نوع زندگی سنتی نیز در آن ادامه دارد، شهرهای الجزایر هم چنین آمیزه‌ای از نفوذ معماری غرب و معماری سنتی عرب می‌باشند.

الجزیره بزرگ‌ترین شهر و پایتخت الجزایر به شمار رفته که در شمال الجزایر، در سواحل مدیترانه واقع شده است. الجزیره قدیمی‌ترین شهر این کشور بوده و قدمت آن به سه هزار سال قبل به دوران فنیقی‌ها باز می‌گردد. این شهر مرکز سکونت کشور استعمارگر فرانسه بوده است. در قصبه، بخش تاریخی و اسلامی این شهر، بسیاری از ساختمان‌ها ویران شده، اما خیابان‌های باریک آن هم چنان پابرجا است، کودکان در آن بازی می‌کنند، کسبه اجناس خود را به فروش رسانده و مردم برای خرید و پیاده روی از آنجا عبور می‌کنند؛ ساختمان‌های جدید به سبک اروپایی نیز در اطراف قصبه به چشم می‌خورند. این

^۱ casbah

شهر آمیزه‌ای از معماری سنتی به سبک اسلامی و معماری مدرن با ساختمان‌های سر به فلک کشیده می‌باشد. بندر الجزیره بزرگ‌ترین بندر در این کشور بوده و یک مرکز صنعتی محسوب می‌گردد.

وهران، واقع در غرب الجزیره، دومین شهر بزرگ الجزایر به شمار می‌رود. این شهر توسط اعراب در سال ۹۰۳ میلادی ساخته شده، اما تا دو قرن در تصرف کشور اسپانیا و سپس فرانسه قرار داشته است. از این رو وهران بیش از هر شهر دیگری در الجزایر نفوذ اروپائیان را نشان می‌دهد. تعداد زیادی کلیسا و عمارت‌هایی به سبک معماری فرانسه استعماری نیز در این شهر وجود دارد.

قسنطنیه و عنابه از دیگر مراکز شهری در این کشور به شمار می‌روند. تمامی شهرهای الجزایر دارای جمعیت بیش از حد بوده و مشکلاتی مانند کمبود خانه و شغل در انتظار این شهرها می‌باشد.

اگرچه بیشتر بیابان‌های الجزایر خالی از سکنه می‌باشد، اما روستاهایی در آن وجود دارد که بسیاری از آنها را دیوارهای سنگی احاطه کرده است. خانه‌های سنتی نیز با داشتن چنین دیوارهایی بازتابی از همان ارزش‌های تنهایی و سکوت می‌باشند. اتاق‌ها به صورت دایره وار ساخته شده و در اطراف آن یک پاسیون یا حیاط خلوت سرپوشیده قرار دارد. در بیشتر معماری‌های از سبک مدرن، از ساختمان‌های چند طبقه گرفته تا خانه‌های از جنس کاغذهای قیر اندود، از این الگو استفاده می‌کنند. مصالح ساختمان‌های سنتی، سنگ‌های پنبه آب‌زده و یا آجر بوده و در خانه‌های قدیمی‌تر، سقف و قسمت‌های فوقانی دیوارها با کاشی تزئین شده‌اند.

کوچ‌نشینان ساکن در بیابان‌ها و فلات مرتفع در چادرهایی زندگی می‌کنند که از جنس پشم بز و علف ساخته می‌شوند. در کوهستان‌های کابیلیا، روستائیان خانه‌هایی تک اتاقی می‌سازند که از جنس کاه گل یا سنگ‌های انباشته بر روی هم می‌باشند. آنها این اتاق را به دو قسمت تقسیم کرده، یکی را برای حیوانات و دیگری را برای سکونت افراد خانواده در نظر می‌گیرند.

خوراک و اقتصاد

خوراک روزانه: غذای ملی در الجزایر عبارت از خس خس^۱، (مخلوطی از گندم باغور است که با بخار آب طبخ داده شده و همراه با گوشت بره و مرغ خورده می‌شود)، سبزیجات پخته و آبگوشت می‌باشد. به این غذاهای ساده و اولیه در الجزایر در زمان عربی طعام یا غذا گفته می‌شود. دسرها به طور عمومی شامل پیاز، شلغم، گوجه فرنگی، فلفل قرمز و نیز نمک، فلفل، زیره سبز و گشنیز می‌گردد. هم چنین خس خس را می‌توان با خوردنی‌های شیرین مانند عسل، دارچین یا بادام صرف کرد. گوشت بره نیز مورد پسند عموم بوده و اغلب بر روی آتش و با نان خورده می‌شود؛ نام این غذا میجویی^۲ (کباب بریان) می‌باشد. از دیگر غذاهای مرسوم می‌توان به شوربا^۳، یک نوع سوپ فلفلی؛ دلمه^۴، مخلوطی از گوجه و فلفل؛ و بورک^۵، یک غذای مخصوص مردم الجزیره که تکه‌های نازک گوشت و پیاز و تخم مرغ آب پز طبخ شده و در داخل خمیر مخصوص پیچانده می‌شود و سرخ می‌شود. غذای سنتی بربرها به ویژه افراد فقیرتر آن کیکی است که از حبوبات مخلوط شده درست می‌شود و نوشیدنی که از شیر بز، خرما و آب آماده می‌شود.

قهوه سیاه و تلخ و چای با برگ معطر نعنای، در بین مردم متداول بوده و هم چنین زردآلو و دیگر میوه‌های شیرین نیز مطابق طبع عموم هستند. لابان^۶ نیز نوعی نوشیدنی است که با مخلوط کردن آب و ماست و افزودن برگ نعنای به عنوان چاشنی درست می‌شود. الجزایر هم چنین به کشت انگور می‌پردازد.

رسوم غذایی در مناسبات و مراسم سنتی: اعیاد مذهبی اغلب با سرو غذاهای

^۱. Couscous

^۲. Mechoui

^۳. Chorba

^۴. Dolma

^۵. Bourek

^۶. Laban

مخصوص جشن گرفته می‌شود. در روز ولادت حضرت محمد^ص، که روز مولود^۱ نامیده می‌شود، مصرف خشک بار از موارد رایج است. در طول ماه رمضان، مسلمانان از خوردن غذا و نوشیدنی در طول روز خودداری می‌کنند. شب‌ها پس از غروب آفتاب، روزه خود را باز کرده و به همراه خانواده غذا می‌خورند. در عید فطر، اولین روز پس از ماه رمضان، مقادیر زیادی غذا، شیرینی و به ویژه کیک مصرف می‌شود.

اقتصاد پایه: اقتصاد الجزایر قبل از هر چیز بر نفت و گاز طبیعی وابسته است. این کشور با دارا بودن ذخیره‌های گاز طبیعی پنجمین کشور بزرگ دنیا از این نظر و دومین صادرکننده بزرگ آن به شمار می‌رود. این کشور هم‌چنین چهاردهمین کشور بزرگ دنیا از لحاظ ذخیره‌های نفتی محسوب می‌شود.

در دوران استقلال، اقتصاد الجزایر ابتدا بر کشاورزی استوار بوده است؛ اگرچه از آن زمان تاکنون، گسترش صنایع دیگر باعث کم‌رنگ شدن اهمیت صنعت کشاورزی و زراعت شده‌اند. اکنون ۲۲ درصد از جمعیت این کشور را کشاورزان تشکیل می‌دهند، اما تولیدات زراعی تنها ۶ درصد از اقتصاد کشور را پوشش می‌دهد. صنعت کشاورزی به واسطه خشک‌سالی، بیابان‌های روبه‌گسترش، آبیاری ضعیف و فقدان ماشین‌آلات دچار آفت شده است. هم‌چنین سیاست‌های دولت که صنعت را بر کشاورزی ترجیح می‌دهند، از جمله این عوامل به شمار می‌روند. بیشترین مقدار غذاهای تولیدی در سطح محلی مصرف می‌شود؛ گندم، جو، ذرت، برنج و نیز میوه‌جات و سبزیجات، متعارف‌ترین محصولات این کشور به شمار می‌آیند. با این همه، الجزایر تنها قادر به تولید ۲۵ درصد از نیازهای غذایی خود می‌باشد.

سی درصد از نیروی کار توسط بخش دولتی به کار گرفته شده‌اند؛ ۱۶ درصد در بخش ساخت و ساز و کارهای عمومی، ۱۳ درصد در صنعت و ۵ درصد هم در بخش حمل و نقل و ارتباطات مشغول به کار می‌باشند. این کشور با نرخ بیکاری ۳۰ درصد، مشکل جدی با بی‌کاری دارد. این امر باعث گردیده تا شماری از مردان برای پیدا کردن کار به شهرها

^۱.Mulud

مهاجرت کنند. تعداد قابل توجهی نیز برای این منظور به فرانسه نقل مکان نموده‌اند؛ بسیاری از این افراد در فصل تابستان برای دیدار از خانواده خود به خانه باز می‌گردند.

اجاره‌داری زمین و ملک: زمانی که کشور تحت حکومت فرانسه بود، استعمارگران

بهترین زمین‌های زراعی را به مالکیت خود در آورده بودند، حال آن که مردم الجزایر ناگزیر بودند تا در زمین‌هایی که حاصل‌خیزی کمتری دارند، کار کنند. در فلات جنوبی و به ویژه مناطق بیابانی، بسیاری از مردم را چادرنشینی تشکیل می‌دهند که احشام خود را برای چرا از مرتعی به مرتع دیگر برده بی‌آنکه ادعایی نسبت به آن مراتع داشته باشند. پس از استقلال الجزایر، دولت این کشور مزارعی را به صورت تعاونی به وجود آورد و دوباره تلاش کرد تا طبق الگوی سوسیالیستی، زمین را بین کشاورزان تقسیم کند. مطابق با حکم‌های صادره از سوی بن بلا در ماه مارس ۱۹۶۳، که امکان کنترل زمین‌های متروکه و تحت تصرف فرانسویان را فراهم می‌آورد، دولت خود مالک بهترین زمین‌های کشاورزی و هم چنین کارخانجات، معادن، بانک‌ها و سیستم حمل و نقل شد. با این حال، نابرابری‌های اقتصادی هم‌چنان مسئله‌ای بحرانی به شمار می‌رفت که سرانجام به آشوب و خشونت منجر شد.

فعالیت‌های بازرگانی: مرکز حیات بازرگانی الجزایر بازارهای روبازی می‌باشند که

به آن سوق^۱ گفته شده و کشاورزان و صنعت‌گران برای فروش محصولات خود به آن جا می‌روند. در این بازارها، مردم می‌توانند گوشت، میوه، سبزیجات، حیوانات تولیدات محلی (جو دوسر، جو ساده، انگور، زیتون و مرکبات) و نیز قالی، جواهرات، سبده، فلزکاری و دیگر صنایع دستی را خریداری کنند. سوق‌ها به طور مرتب در مراکز محلی و نیز نواحی قدیمی شهرهای بزرگ برپا می‌شوند.

خرید و فروش اجناس به طور سنتی به شیوه تهاتری یا کالا به کالا انجام می‌شود، اما با این وجود، بیشتر داد و ستدها به صورت نقدی صورت می‌گیرند.

^۱. Souk

صنایع عمده: تولید و پالایش نفت و گاز، بزرگ‌ترین صنعت الجزایر به شمار می‌رود. امور خدماتی (تجارت، حمل و نقل و ارتباطات) نیز حائز اهمیت می‌باشند. دیگر صنایع شامل کشاورزی، ساختمان سازی و معدن می‌باشد.

تجارت: صادرات اصلی الجزایر نفت و گاز و پس از آن خرما، تنباکو، چرم، کالاهای سبزیجات و نمک‌های فسفاته می‌شود. شرکای تجاری اصلی آن عبارتند از ایتالیا، فرانسه، اسپانیا، برزیل، هلند و ایالات متحده. **واردات این کشور** را نیز مواد خام، محصولات غذایی و محصولات مصرفی تشکیل می‌دهند. با این حال، دولت با تحمیل مقررات سخت بر امر واردات تلاش می‌کند تا میزان خودکفایی کشور را افزایش دهد.

توزیع کار: بیشتر کارگران الجزایری فاقد مهارت شغلی هستند. با این حال، بسیاری از شغل‌ها در مراکز صنعتی کشور مستلزم آموزش‌های خاص بوده، و این واقعیت به نرخ بالای بی‌کاری کمک می‌کند. دولت کوشش کرده است تا با راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی خاص، تغییراتی را در این وضعیت به وجود آورد. اگرچه بسیاری از الجزایری‌ها از آزادی در انتخاب شغل برخوردار می‌باشند، اما مشکلات مالی و بازار کار مایوس‌کننده بر آنها تحمیل می‌شوند.

طبقه بندی اجتماعی

طبقات اجتماعی و گروه‌ها: اکثر مردم الجزایر فقیر هستند. عرب‌ها از شرایط بهتری برخوردارند و فرصت بیشتری برای شهرنشینی و تحصیل دارند. مردم طبقات بالاتر نیز که به بربرها و روستائیان توجهی ندارند را عرب‌های نیمه کوچ نشینی تشکیل می‌دهند که با لهجه متفاوتی صحبت می‌کنند. در هر حال، بیشتر الجزایری‌ها ترکیبی از عرب‌ها و بربرها بوده و اختلاف پوست و رنگ مو بازتابی در موقعیت اجتماعی آنان ندارد.

سمبل‌های طبقه‌بندی اجتماعی. اکنون بیشتر مردان و برخی زنان ساکن شهرهای این کشور به سبک اروپائیان لباس می‌پوشند. لباس سنتی آنها یک خرقه پشمی سفید

رنگ است که به آن گاندورا^۱ گفته می‌شود و بر روی یک لباس بلند نخ می‌پوشند. شل معروف به بورنوس^۲ که گاهی شانه‌ها را می‌پوشاند، در تابستان از کتان و در زمستان از پشم ساخته می‌شود. گاهی اوقات بورنوس ساده و گاهی آن را با قلاب‌دوزی که نشانه ثروت صاحب آن می‌باشد، تزئین می‌کنند. یک فیثه^۳ قرمز سنتی پیچیده شده با یک پارچه سفید برای پوشاندن سر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نوع پوشیدن لباس در بین زنان مشابه بوده، هر چند لباس‌های آنها قسمت‌های بیشتری از بدن را پوشش می‌دهد. هایک^۳ بر روی شلوارهای راحتی پوشیده شده و از سر تا پاشنه پای زنان را می‌پوشاند. مردان اهل طارق را می‌توان از بلندی پارچه نیلی رنگی شناخت که در یک عمامه دور سر می‌پیچند و به جز چشم‌ها دیگر اندام آنها را می‌پوشاند.

حیات سیاسی

دولت: الجزایر از دیر باز یک جمهوری چند حزبی می‌باشد. کنترل این کشور از زمان کسب استقلال در دست جبهه ملی آزادی بخش بوده است. در سال ۱۹۸۸، یک قانون اساسی تازه از سوی دیگر طرف‌ها تدوین شد، اگر چه برای گروه‌های مبارز اسلامی، مانند جبهه نجات اسلامی، غیر قانونی اعلام شدند. این کشور دارای یک هیئت قانون‌گذاری بوده که به آن مجلس ملی گفته می‌شود و متشکل است از ۲۹۵ نماینده منتخب که برای مدت پنج سال خدمت کرده و برای دوره‌های بعد نیز اجازه شرکت در انتخابات را دارند. آنها توانایی تدوین تمامی قوانین کشوری، به استثنای مسئله دفاع ملی را دارا هستند. انتخابات به طور سراسری برگزار می‌شوند. رئیس‌جمهور برای مدت پنج سال بدون نیاز به تجدید انتخابات، به طور قطعی انتخاب می‌شود. او نخست‌وزیر را انتخاب می‌کند و نخست‌وزیر نیز کابینه را تشکیل می‌دهد.

^۱. Gandoura

^۲. Burnous

^۳. Haik

این کشور به چهل و هشت استان یا ولایت^۱ تقسیم می‌شود که هر یک نمایندگان خود را انتخاب می‌کنند. استان دار و والی^۲، از سوی دولت انتخاب می‌شود و به عنوان رابط اولیه میان دولت محلی و فدرال انجام وظیفه می‌نماید. هر یک از ولایات نیز به حوزه‌هایی تقسیم می‌شوند که دیارات^۳ نامیده می‌شوند. دیارات خود به چندین بخش تقسیم می‌شوند.

رهبری و مقامات سیاسی: تفاوت کاملاً محسوسی میان نخبگان سیاسی و اکثریت جامعه که خود را فاقد حق رأی و اختیارات قانونی می‌دانند، وجود دارد. از آن جا که مردم احساس می‌کنند از سوی دولت مورد اهمال قرار می‌گیرند، بسیاری از آنها به اقدامات خشونت‌آمیز به عنوان تنها حربه سیاسی خود متوسل می‌شوند.

مشکلات اجتماعی و کنترل آن: میزان ناآرامی در جامعه بالا بوده، و خفقان سیاسی و بی‌کاری به آن دامن می‌زند. خفقان سیاسی اغلب به انواع مختلف ارباب‌گری، از جمله آدم‌ربایی و قتل غیر نظامیان منجر می‌شود. نرخ بالای بی‌کاری نیز به افزایش جرم، به ویژه در داخل شهرها منتهی می‌شود.

چهل و هشت دادگاه در این کشور دایر است؛ هر ولایت یک دادگاه، به علاوه دویست دادگاه دیگر که در سرتاسر کشور به صورت پراکنده قرار دارند. دادگاه‌ها در اولین سطح از نظام قضایی این کشور قرار دارند. دادگاه‌های استانی (در ولایات) از اختیارات بیشتری برخوردار بوده و دیوان عالی بالاترین سطح برای فرجام خواهی در این کشور به شمار می‌رود. هم چنین سه نوع دیگر از دادگاه‌ها وجود دارند که به جرائم اقتصادی علیه دولت می‌پردازند. رأی این دادگاه‌ها قطعی بوده و قابل استیناف نیست. دادگاه امنیت ملی، متشکل از قضات و افسران ارتش نیز به قضایای مرتبط با امنیت ملی می‌پردازد.

فعالیت نظامی: رئیس جمهور در الجزایر، فرمانده کل نیروهای مسلح به شمار می‌رود؛ تعداد کل نیروهای مسلح عبارت است از ۱۲۱۷۰۰ نفر، که ۱۰۵۰۰۰ نفر از آنها در

^۱. Wilayat

^۲. Wali

^۳. Diaraat

ارتش، ۶۷۰۰ نفر در نیروی دریایی و ۱۰۰۰۰ نفر نیز در نیروی هوایی خدمت می‌کنند. علاوه بر این عده، ۱۵۰۰۰۰ نفر نیز نیروی ذخیره وجود دارد. هزینه‌های نظامی در این کشور ۱/۳ میلیون دلار آمریکا، ۲.۷ درصد از کل بودجه این کشور، می‌باشد.

رفاه اجتماعی و برنامه های تحول

دولت برای کودکان زیر شانزده سال و افراد بالای شصت سال خدمات بهداشتی رایگان ارائه می‌دهد. هم چنین مستمری‌هایی را برای سال‌خوردگان و معلولین در نظر گرفته و کمک معاشی را نیز به خانواده‌های دارای فرزند اعطا می‌نماید. هزینه‌های مالی سیستم رفاهی کشور از طریق کارمندان مرد و زن و نیز دولت تامین می‌شود. الجزایر هم چنین کمک‌هایی را از کشورهای متعدد دریافت می‌دارد، که از آن جمله می‌توان به اعزام متخصصین برای ارتقاء سطح آموزش، صنعت، بهداشت و آموزش‌های نظامی اشاره کرد.

سازمان‌های غیر دولتی و دیگر انجمن‌ها

الجزایر عضو اتحادیه عرب است. هدف این اتحادیه، تقویت روابط میان دولت‌های عرب جهت همکاری‌های سیاسی و محافظت از منافع مشترک می‌باشد. این کشور هم چنین یکی از اعضای سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) بوده، که وظیفه آن هماهنگی سیاست‌های نفتی بین دول عضو می‌باشد.

شرایط و حقوق وابسته به جنسیت

توزیع کار بر پایه جنسیت: زنان تقریباً تمامی امور داخلی منزل را انجام می‌دهند؛ اما هر کاری که مستلزم خروج از خانه باشد، مانند خرید مایحتاج خانه، بر عهده مردان خواهد بود. تنها ۷ درصد از زنان در خارج از خانه کار می‌کنند، و اکثریت آنها در کارهایی مشغول می‌باشند که معمولاً به وسیله زنان انجام می‌شود، هم چون منشی‌گری، تدریس یا

پرستاری. (با این همه، این ۷ درصد شامل زنانی نمی‌شود که در بخش‌های کشاورزی یا مزارع مشغول به کار می‌باشند؛ کار در مزارع برای زنان و مردان امر عادی به شمار می‌آید) زنان اجازه دارند برای اشتغال در بخش دولتی اقدام کنند، اما چنین اقداماتی هنوز فوق‌العاده نادر است.

وضعیت نسبی زنان و مردان: هم چون فرهنگ عمومی عرب، زنان در الجزایر ضعیف‌تر از مردان در نظر گرفته شده و نیاز به حمایت دارند. مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌ها بر عهده مردان گذاشته می‌شود. زنان در محیط محدودی از خانه و خانواده زندگی می‌کنند؛ تنها تماس آنها به جز مردان خانواده با دیگر زنان است. مردان، به عبارت دیگر، از قلمرو وسیع‌تری برخوردار هستند که شامل رفتن به مسجد، خیابان، بازار و قهوه‌خانه می‌شود؛ استقلال الجزایر تغییر عمده‌ای را در این زمینه به وجود نیاورده است. اگرچه دولت جدید اصول سوسیالیستی را اتخاذ کرده، اما برابری جنسیت با مخالفت زیادی از سوی گروه‌های اسلامی محافظه کار رو به رو شده است.

بربرها در مورد جنسیت عقاید و آداب و رسوم خود را دارند، که در بین گروه‌های مختلف، تفاوت‌های عمده‌ای با یکدیگر دارند. نقش زنان کابیلی بیشترین شباهت را با سنت عرب دارد؛ آنها از دارایی‌های غیر منقول ارث نبرده و نمی‌توانند بدون رضایت همسر سابق خود، که او را طلاق داده، با فرد دیگری ازدواج کنند. زنان چائونیا، هر چند هنوز هم به لحاظ اجتماعی محدودیت‌هایی دارند، به جادو اعتقاد خاصی داشته و تصور می‌کنند با این وسیله می‌توانند موقعیت اجتماعی بالاتری کسب کنند. موزبی‌ها طرفدار عدالت اجتماعی و تحصیل زنان و مردان در روستاهای خود بوده، هر چند اجازه تعدی از این حدود را به زنان خود نمی‌دهند. طارق‌ها در بین مسلمانان عرب، فرهنگ غیر عادی دارند، به طوری که تسلط زنان بر جامعه بیش از مردان است. پوشیدن لباس‌های بلند طبق نظر اسلام مخصوص زنان است، اما در میان طارق‌ها، این مردان هستند که لباس‌های بلند می‌پوشند. زنان آنها کنترل اقتصاد و اموال غیر منقول خانواده را برعهده داشته و زنان و مردان از حقوق برابر جهت تحصیل برخوردارند.

ازدواج، خانواده و خویشاوندی

ازدواج: ازدواج در الجزایر از دیرباز از طریق والدین عروس و داماد و به وسیله یک عاقد رسمی برگزار می‌شود. علی‌رغم رواج فرهنگ غرب، اکثریت مراسم ازدواج در این کشور به طور سنتی برگزار شده و فرهنگ غرب نفوذ کمی در این زمینه داشته است. ازدواج نه تنها پیوند دو تن بلکه پیوند دو خانواده به شمار می‌رود. مراسم عروسی ده روز به طول می‌انجامد و در طول آن مراسمی مانند موسیقی، خوردن شیرینی‌های مخصوص و حمام‌های سنتی برای عروس برگزار می‌شوند. داماد موظف است هزینه این جشن‌ها را پرداخت کند. بر اساس قانون مصوب ۱۹۸۴، زنان از حق حضانت کودک و حفظ جهیزیه خود برخوردار هستند. با این حال، بر اساس همین قانون، زنان همواره صغیر محسوب شده و در بیشتر فعالیت‌ها، مانند کار در خارج از خانه، نیاز به اجازه همسران یا پدران خود دارند. این در حالی است که مردان هنوز هم به لحاظ قانونی حق دارند حداکثر تا چهار همسر دائم داشته باشند و این قانونی است که در قرآن بدان اشاره شده است.^۱ با این وجود، تعدد زوجات در الجزایر به ندرت صورت می‌گیرد.

نهاد خانواده: واحد خانوادگی به طور سنتی تمامی خانواده‌های پرجمعیت را در بر می‌گیرد. شوهر، همسران و فرزندان وی که با خانواده پدر به زندگی خود ادامه خواهند داد. پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها نیز به همراه دختران بیوه و مطلقه، خاله، زن عمو، زن دایی و عمه، عضوی از خانواده به شمار می‌روند. مع ذلک، این وضعیت پس از استقلال الجزایر با تغییراتی روبه‌رو شده است؛ به طوری که شهرنشینی افزایش یافته و تمایل به تشکیل خانواده‌های کوچک‌تر رو به فزونی است. به هر حال، هنوز هم داشتن هفت تا نه فرزند از سوی زنان الجزایری امری عادی است.

وراثت: ارث از طریق پدر به پسر ارشد می‌رسد. در صورت عدم وجود فرزند، زمین و متعلقات خانواده بین خویشاوندان تقسیم خواهد شد.

^۱ قرآن اجازه چند همسری را به مردان داده است البته به شرطی که عدالت را بین آنها رعایت نماید.

گروه‌های خویشاوندی: در مناطقی از کشور که نفوذ اعراب بیشتر است، روابط خویشاوندی بیش از هر چیز بر روابط نسبی استوار می‌باشد. وفاداری به خانواده از دیگر روابط و مسئولیت‌ها قوی‌تر است. اقوام و خویشاوندان از دیر باز در کنار هم زندگی می‌کنند. البته امروز چنین روابطی ضعیف‌تر شده و علت آن نیز نفوذ فرهنگ شهرنشینی و مدرنیسم بوده است؛ با این وجود، زندگی در داخل شهرها هنوز هم در کانون خانواده ادامه دارد. در آداب و رسوم بربرها، وفاداری به خانواده به دلیل روابط گروه‌های روستایی، صوفها، شکسته شده است. این گروه‌ها، گروه‌های سیاسی و بخشی از فرآیند دموکراسی بوده که زندگی در روستا را تحت الشعاع قرار داده است.

اجتماعی سازی

مراقبت از کودکان: هم چون بسیاری از فرهنگ‌ها، مراقبت از کودکان به طور کامل بر عهده زنان است. اکثر زنان تقریباً از خانه خارج نشده و به همین خاطر، همواره در کنار کودکان خود می‌باشند.

تربیت و آموزش کودکان: کودکان در فرهنگ عرب ارزش والایی داشته و برای والدین خود ثروت و برکت به شمار می‌روند. با این حال، معیارهای آموزشی کودکان با جنسیت‌های مختلف، تفاوت قابل توجهی دارند: به دخترها یاد داده می‌شود به همه مردها احترام بگذارند، در حالی که پسران یاد می‌گیرند که نخستین وظیفه دخترها و زنان برآورده کردن نیازها و خواسته‌های مردان می‌باشد. دخترها معمولاً دارای وظایف و کارهای بیشتری نسبت به پسرها هستند، در حالی که پسرها آزادی بیشتری داشته و می‌توانند اوقات بیشتری را در بیرون از خانه سپری کنند. هرچند تنها پسرها قادر به تحصیل می‌باشند، اما این روند اخیراً رو به تغییر بوده است.

پیش از استقلال، نظام آموزشی الجزایر بر الگوی فرانسوی استوار بود. اکثر کودکان الجزایری به مدرسه نمی‌رفتند. در سال‌های پس از ۱۹۷۱، دولت تحصیل را برای کودکان بین شش تا پانزده سال رایگان و اجباری نمود و تلاش کرد تا از نظام آموزشی استفاده نماید که تناسب بیشتری با اعتقادات ملی این کشور داشته باشد. برنامه‌های دولت بر یادگیری زبان عربی و همچنین مهارت‌های فنی تأکید دارد. نود درصد از کودکان در شهرها و ۶۷ درصد از آنها در روستاها به مدارس ابتدایی می‌روند. نیمی از کودکانی که به سن رأی دادن رسیده باشند، برای خدمت سربازی فراخوانده می‌شوند.

آموزش عالی: در طول حاکمیت دولت فرانسه در الجزایر، تنها دانشگاه موجود در کشور در شهر الجزیره واقع شده که فقط برای دانشجویان فرانسوی باز بود. امروزه، بیش از سی مؤسسه آموزش عالی و یک دانشگاه در برخی از شهرها، از جمله در شهرهای الجزیره، وهران، قسطنطنیه، عنابه و تلمسان^۱ وجود دارد. به این مؤسسات دانشگاهی باید مؤسسات فنی، کشاورزی، فنی و حرفه‌ای و آموزش دبیری را اضافه نمود. شمار زیادی از مردم الجزایر در کشورهای خارجی مشغول به تحصیل هستند. دولت ضمن دادن هزینه تحصیل، آنها را به کشورهای ایالات متحده آمریکا، اروپای شرقی و روسیه اعزام می‌کند.

آداب معاشرت

احوال پرسی میان مردم الجزایر بسیار طولانی و پیچیده است، و در آن از وضعیت سلامتی و خانواده یکدیگر سؤالاتی پرسیده می‌شود. روابط مشترک اجتماعی بین افراد با جنسیت مشابه بسیار بیشتر از روابط مردان و زنان با یکدیگر است. ابراز محبت عمومی، دست دادن و روبوسی بین افراد با جنسیت مشابه متداول است. الجزایری‌ها به میهمان‌نوازی و سخاوت معروف هستند. دید و بازدید مبنای یک زندگی اجتماعی را تشکیل داده و بیش از همه در بین خانواده‌های پر جمعیت مرسوم است. آنها به میهمانان خود چای یا قهوه و شیرینی می‌دهند.

^۱ Tlemcen

دین

اعتقادات دینی: ۹۹ درصد از مردم الجزایر را مسلمانان اهل تسنن تشکیل می‌دهند. البته تعداد بسیار کمی نیز کلیمی در این کشور مشغول به زندگی بوده که اقامت آنها به قرن‌ها قبل باز می‌گردد. مسیحیت از دوران رومی‌ها در این کشور موجودیت داشته اما علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته (به ویژه از سوی فرانسه استعماری) جهت تغییر دین مردم الجزایر، تعداد مسیحیان الجزایری بسیار ناچیز بوده است. اسلام نه تنها اساس زندگی دینی مردم الجزایر را تشکیل داده، بلکه به عنوان نیروی اتحاد بخشی (هم در داخل کشور و هم در میان دیگر کشورهای عرب) به کار رفته و باعث شده تا زمینه فرهنگی و معنوی مشترکی بین همه مسلمانان به وجود آید. آئین‌های بسیاری در بین مسلمانان الجزایر وجود دارد؛ مردم روستایی بیشتر تمایل دارند تا به آداب و رسوم سنتی خود پای‌بند باشند. به علاوه، آثاری از اعتقادات دینی بربرها برجای مانده، اما این اعتقادات تقریباً به طور کامل تحت الشعاع اسلام قرار دارند. با وجود مخالفت فرانسه استعماری و دولت الجزایر (که دین بربر را تهدیدی برای وحدت ملی قلم داد می‌کردند)، هنوز هم سازمان‌هایی تحت عنوان سازمان برادری^۱ پابرجا مانده که به مراسم و اقدامات سحر و جادو می‌پردازند.

اعتقادات اسلامی بر پنج ستون استوار است؛ ابتدا شهادت، که بر اساس آن مسلمانان بر ایمان خود اعتراف می‌نمایند؛ نماز در جای دوم قرار دارد. مسلمانان هر روز پنج نوبت نماز می‌خوانند. رفتن به مسجد الزامی نیست، هر چند بانگ اذان از داخل مناره‌های اماکن مقدس به گوش می‌رسد. جمعه روز تعطیل مسلمانان به شمار می‌رود و مهم‌ترین نماز هفته، نمازی است که در ظهر همین روز به جا آورده می‌شود. زکات ستون سوم دین اسلام به شمار می‌رود که اصل آن صدقه دادن است. روزه ستون چهارم محسوب شده و همه ساله در طول ماه رمضان برگزار می‌گردد؛ در این ماه مسلمانان از خوردن و آشامیدن در طول روز پرهیز می‌کنند. ستون پنجم دین اسلام را نیز حج تشکیل می‌دهد که در طی آن، مسلمانان به زیارت شهر مقدس مکه، واقع در عربستان

^۱. Brotherhood

سعودی فعلی رفته و اعمال خاصی را انجام می‌دهند و این سنتی است که هر یک از مسلمانان باید در طول حیات خود آن را به جا آورند.

عاملان مذهبی: مبلغ مذهبی یا هیئت روحانیون در بین مسلمانان الجزایری وجود ندارد. با این همه، افرادی تحت عنوان مفتی^۱ وجود دارند که قرآن (کتاب مقدس مسلمانان) را جهت استنباط مسائل شرعی تفسیر می‌کنند؛ خاطبین^۲ که در مساجد قرآن می‌خوانند و امام^۳ که نماز را در مساجد به جای می‌آورند. هم چنین افرادی نیز هستند که وظیفه آنها گفتن اذان است و به آنها مؤذن می‌گویند. قرآن بیش از هر رهبر دینی به عنوان مرجع عالی به شمار رفته و پاسخ هر سؤال یا برهانی که ممکن است در ذهن مسلمانان خطور کند را دارد.^۴ در اعتقادات دینی بربرهای بومی، مردان مقدس مارابوت^۵ نامیده می‌شوند. این افراد با قدرت‌های خاص از سوی خداوند جهت مغفرت نازل شده‌اند.

آیین‌ها و اماکن مقدس: مهم‌ترین آئین موجود در تقویم اسلامی، ماه رمضان است. اولین روز بعد از این ماه، جشنی برگزار می‌شود که به آن عید فطر گفته شده و در آن خانواده‌ها به دیدار هم آمده و هدیه می‌آورند.

عید قربان^۶ روزی است که در آن آخرین روز حج محمدی (ص) زنده نگاه داشته می‌شود. مسجد محل عبادت مسلمانان به شمار می‌رود. از آن جا که پاکیزگی نوعی پیش‌نیاز قبل از خواندن نماز به شمار رفته و خضوع در مقابل خداوند را نشان می‌دهد، در بیرون از مسجد وسائلی برای شست و شو قرار داده شده است. در آوردن کفش‌ها پیش از ورود به مسجد الزامی است. طبق سنت اسلام، زنان حق ورود به مسجد را ندارند.^۷ هیچ محرابی در داخل مسجد وجود نداشته و تنها یک فضای مفروش قسمت داخلی مسجد را تشکیل

^۱. Mufti

^۲. Khatib

^۳. Imam

^۴ قرآن، کلیات معارف و عقاید و حقایق را برای سعادت انسان‌ها بیان داشته است و جزئیات و توضیحات آن به ائمه معصومین (ع) سپرده شده است.

^۵. Marabout

^۶. Eid al-Adha

^۷ ادعای نادرستی است و زنان نیز همانند مردان می‌توانند در مساجد به اقامه نماز بپردازند.

می‌دهد. از آن جا که مسلمانان به هنگام نماز خواندن باید رو به شهر مکه داشته باشند، یک فرورفتگی کوچک در داخل دیوار تعبیه می‌کنند تا نشان بدهد این شهر در چه جهتی واقع شده است.

مرگ و زندگی پس از آن: یکی از اموری که پس از مرگ یک فرد صورت می‌گیرد، دیدار از خانواده او می‌باشد. اعضای خانواده فرد متوفی لباس‌های مشکی بر تن می‌کنند. البته مراسم سوگواری به شیوه باشکوه‌تر و مردمی‌تری نیز برگزار شده و آن روز اول سال بوده و عاشورا^۱ نامیده می‌شود. مسلمانان با رفتن به گورستان و زنده نگاه داشتن یاد اموات، سپری شدن سال پیشین را نشان می‌دهند.

پزشکی و مراقبت درمانی

مراقبت‌های پزشکی به صورت رایگان و در سطح ملی انجام می‌شود. دولت به جای ساخت بیمارستان‌های مجلل، تلاش‌های خود را بر اقدامات پیش‌گیرانه و واکسیناسیون، ساخت کلینیک‌های محلی و مراکز بهداشتی متمرکز کرده است. تمامی پزشکان پس از پایان تحصیلات خود مجبورند چند سالی را در یک بیمارستان دولتی خدمت کنند. بزرگ‌ترین مشکلات بهداشتی را سل، بیماری‌های مقاربتی، مالاریا، گوشت زیادی در گوشه چشم، تیروئید و اسهال خونی تشکیل می‌دهند.

تقریباً، تمامی تسهیلات درمانی در نواحی شمالی دارای جمعیت بیشتر متمرکز می‌باشند. بیشتر مردم در مناطق روستایی به امکانات مدرن پزشکی یا درمانی دسترسی ندارند. جمعیت زیاد و کمبود خانه در شهرها مشکلات بهداشتی خود را داشته و علت آن سطح ضعیف بهداشت و کمبود آب آشامیدنی سالم می‌باشد.

مراسم و جشن های عمومی

اولین روز سال، ۱ ژانویه؛ روز کار، ۱ مه؛ روز یادبود (سالگرد سرنگونی احمد بن بلا)، ۱۹ ژوئن؛ روز استقلال، ۵ جولای؛ روز انقلاب، ۱ نوامبر.

^۱ . عاشورا در روز دهم محرم الحرام واقع شده است.

هنر و علوم انسانی

پشتیبانی از هنر: در دوران حکم فرمایی فرانسه، فرهنگ الجزایر به طرز وسیعی از سوی استعمارگرانی منکوب شد که تلاش می‌کردند آن را با فرهنگ خود جایگزین کنند. با این حال، پس از رسیدن الجزایر به استقلال، دولت این کشور کوشش کرد تا فرهنگ بربر، عرب و اسلام را تقویت کند و برای این منظور، مبالغی را برای راه‌اندازی مراکز عرضه صنایع دستی پرداخت نمود تا از این طریق هنرمندان سنتی شاغل در امور قالی‌بافی، سفال‌گری، قلاب‌بافی و جواهرسازی را تشویق کند. مؤسسه ملی موسیقی باعث احیای موسیقی و آداب و رسوم اجدادی شده که ریشه در سنت‌های کهن عربی و مردم شمال آفریقا دارد. یک شرکت فیلم سازی ملی نیز وجود دارد که بیشتر فیلم های الجزایر را تولید می‌نماید.

ادبیات: الجزایر دارای ستارگانی در عرصه ادبیات می‌باشد. این عده شامل نویسندگان فرانسوی بوده که در این کشور زندگی کرده و به نویسندگی پرداخته‌اند (مانند آلبرت کامو^۱ و امانوئل روبلس^۲) و نیز نویسندگان الجزایری، که برخی به زبان فرانسه (مانند کاتب یاسین^۳ نمایش نامه نویس) و برخی به زبان عربی و گویش‌های بربر آثار خود را خلق کرده‌اند. یکی از مزیت‌های نویسندگی به زبان فرانسه این است که کتاب‌های نوشته شده را می‌توان در فرانسه به چاپ رساند، سپس هم در فرانسه و هم در الجزایر توزیع کرد. با این حال، آثار نوشته شده به زبان عربی یا بربر اغلب نشانگر نوعی غرور ملی بوده و به همین دلیل مخاطبین متفاوتی دارند. بسیاری از نویسندگان الجزایری هم به تأثیر ادبیات اروپایی و هم به شیوه داستان سرایی کهن عرب روی می‌آورند.

هنرهای گرافیکی: صنایع دستی سنتی شامل فرش‌های دست بافت از جنس پشم یا موی بز، سیدبافی، سفال‌گری، نقره‌سازی، قلاب‌بافی تزئینی و ساخت ظروف برنجی

^۱. Albert Camus

^۲. Emmanuel Robles

^۳. Kateb Yacine

می‌باشند. فیلم‌های الجزایری داخلی و خارجی نیز جایزه‌ای را موسوم به سلحشوری^۱ به خود اختصاص داده‌اند؛ بسیاری از این فیلم‌ها درام یا مستند است که به موضوعاتی هم چون استعمار، انقلاب و مسائل اجتماعی می‌پردازند. محمود لاخدار همینه^۲ در سال ۱۹۸۲ موفق شد جایزه جشنواره کن را به خاطر فیلم نسیم بیابان^۳ از آن خود کند.

هنرهای نمایشی: مراسم موسیقی و در الجزایر مطابق با آداب و سنن عرب برگزار می‌شوند. این‌گونه هنرها در طول حاکمیت فرانسه متوقف شده اما امروزه در حال احیا شدن هستند. موسیقی به سبک عربی با سنت داستان سرایی عجین بوده و موضوع آن را اغلب مسائلی مانند عشق، شرافت و خانواده تشکیل می‌دهد. این نوع موسیقی به لحاظ فنی دارای ریتمی تکراری و ظریف است. در موسیقی فوق، از یک چهارم نت استفاده شده و پرش‌های کوچکی در هر مقیاس انجام می‌شود. سازهای سنتی شامل عود، که یک ساز سیمی شبیه به لوت^۴ است، دهل‌های کوچک که بر روی زانوها نگه داشته می‌شوند و ریتا^۵ یا فلوت بادی می‌شوند.

کیفیت علوم طبیعی و اجتماعی

یک دانشگاه علوم و فنون علاوه بر دانشگاه علوم و فنون هاواری بومدین در شهر وهران واقع است. وزارت انرژی و پتروشیمی و نیز وزارت کشاورزی و ماهی‌گیری در این کشور از جمله وزارت‌خانه‌هایی هستند که مؤسسات آموزشی کشور را مورد حمایت مالی قرار می‌دهند.

^۱.Accolade

^۲.Mahmed Lakhdar Hamina

^۳.Desert Wind

^۴. lute

^۵.Rhita